

نقش زنان در دستیابی و حفاظت محیط زیست

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

سمیرا نجفی کشکولی

چکیده

نقش های خانوادگی و اجتماعی، نفوذ کلام و انضباط اخلاقی و معنوی نسبی زنان عامل مهمی در پیشبرد اهداف بزرگ با توان اثرگذاری لازم بر جوامع به حساب آمده و از آن به عنوان نوعی راهبری الهام بخش یاد می شود. در تحولات اجتماعی سال های اخیر، رابطه جامعه شناسی و محیط زیست شهری نزدیک تر شده و جامعه شناسان در نظرات خود به محیط زیست شهری و ارتباط آن با انسان و جامعه پرداخته اند. یکی از نظریه های جامعه شناسانه در این حوزه به نام نظریه تقسیم کار، زنان را عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد زیست محیطی به نسل های آینده می داند و چنانچه فرهنگ زیست محیطی در مادران درونی شود، به گونه ای که قانونمندی اکوسیستم را درک کنند، به خوبی می توانند این مفاهیم را به فرزندان خود انتقال دهند. بنابراین اکنون که محیط زیست مورد تعرض و سلامت شهروندان در خطر قرار گرفته، بهره مندی از نقش آفرینی زنان، کار مدیران توانمند و عاقبت نگر است. اگر در گذشته در مورد جایگاه این موضوع تردیدی وجود داشت، امروزه شکی باقی نمانده که توسعه انسان محور بدون حفاظت از محیط زیست ممکن نیست و حفاظت از محیط زیست بدون حضور جدی زنان محقق نخواهد شد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، حقوق زنان، طبیعت، رودخانه، اکوسیستم شهری، توسعه

پایدار



بخش اول: رابطه انسان با محیط زیست

انسان در دامن طبیعت زندگی می کند و حیات مادی اش در وابستگی تام با محیط زیست اطرافش است. به تعبیر قرآن کریم «زمین مهد و گهواره بشر» به حساب می آید و طبیعت پاسخگوی همه نیازهای مادی آدمی است، به طوری که زندگی انسان منهای مواهب طبیعی قابل تصور نبوده و نیست. با این حال امروزه گفته می شود منابع زمین در معرض خطر است. دلیل این امر روحیه مصرف گرایی آدمی بوده که اکنون در مقیاس جهانی به تخریب طبیعت و محیط زیست دامن می زند. انسان با توجه به عادات اکتسابی و تربیتی و نیز تحت شرایط اجتماعی به تعریف جدیدی از خویش و ظرفیت هایش در برخورد با کلیه مسایل از جمله عادات مصرفی می رسد. روحیه مصرفی موجب می شود که انسان طبیعت را در قالب کالا ببیند و در افزایش سلطه بر آن تا آنجا پیش رود که فراموش کند خود جزئی از طبیعت است و مامنی غیر آن ندارد. مصرف منابع کمیاب در اثر جمعیت فزاینده سبب بحران محیط زیست شده و حل این بحران با تغییر میزان جمعیت و مصرف آنها ممکن است. در این میان نقش طبقه مرفه در مصرف بی رویه از یک سو و معضل فقر در جوامع باعث هم افزایی در تخریب محیط زیست می شود.

بخش دوم: زنان در دو موضع متضاد نسبت به محیط زیست

در حالی که زنان مصرف کنندگان عمده در هر جامعه ای به حساب می آیند، تجارب جهانی در دهه های اخیر نشانگر گرایش زنان به تلاش برای حفظ طبیعت و توان راهبری تلاش های حفاظتی بوده است. برخی صاحب نظران البته تحولات عصر روشنگری را علت این رویکرد می دانند. در این عصر با غلبه عقل بر جنبش های فلسفی - اجتماعی، اندیشه ترقی باب شد تا از طریق علم، آزادی فردی و پیشرفت اجتماعی تامین شود. این روند که به مقبولیت سلطه بر طبیعت و شناخت آن صرفاً به عنوان منبع رفع نیازهای انسان منجر شد، تلاشی برای بهبود زندگی آدمی بود. ولی هنوز چند دهه نگذشته، روشن شد که این اعمال سلطه سبب ناکامی نسل های متوالی از توازن طبیعت خواهد شد. گسترش صنایع و آلودگی آب و هوا و خاک در نقاط مختلف کره زمین سبب طرح این نظریه شد که بهره برداری از طبیعت در پرتو عقل

مذکر به ائتلاف منابع طبیعی و تخریب محیط زیست جهانی شده و اینک نگاه حمایتگر و مادرانه نیاز است تا حرکت به سمت نابودی زمین کند و به تدریج متوقف شود.

بند اول: جنسیت و درک محیط زیست

دو جنس مختلف انسان، یعنی مرد و زن تفاوت‌های فکری، رفتاری و ظاهری با یکدیگر دارند. منشأ این تفاوت‌ها را محققان و دانشمندان مورد بررسی قرار داده و بر پایه آن دو نوع نظریه ارائه شده است. یک نظریه توسط فروید مطرح شده و مبتنی بر آن است که «تفاوت‌های روانی، فکری و رفتاری مردان و زنان، دارای منشأ زیستی و جنسی است». اما نظریه دوم که توسط کارول گیلیکان مطرح شده، تأکید دارد تفاوت‌های جنسی براساس تصویرهای ذهنی است که زنان و مردان بزرگسال از خود و دستاوردهای خویش دارند. او تفاوت زیستی را تنها عامل تفاوت رفتارهای مرد و زن نمی‌داند، بلکه بر ریشه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند. «بررسی‌ها و تحقیقات «گیلیکان» نشان می‌دهد که زنان در قضاوت‌های اخلاقی، انعطاف‌پذیرتر از مردان بوده‌اند و مفاهیمی چون قوانین اخلاقی و اجتناب از آزردهن دیگران را بیشتر می‌پذیرند. آنها بیشتر پای بند روابط مراقبت‌کنندگی هستند و از برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای دیگران بیشتر خوشحال می‌شوند تا بالیدن به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های فردی. تفکر زنان به طور عمده متوجه روابط فردی و همراه با موفقیت و احساس مسئولیت است. در این حال، محیط و طبیعت متأثر از رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم مردان و زنان بوده و تفکر، رفتار و بینش این دو جنس، بر وضعیت زیست بوم اثر می‌گذارد. محیط زیست و از جمله محیط زیست شهری را نمی‌توان به دور از جنسیت، مورد بررسی قرار داد. محققان معتقدند زنان سرمایه‌بزرگی برای پایداری محیط زیست هستند. یک فرضیه علمی بر این باور است که زنان اگر بر مسند قدرت باشند بهتر از مردان می‌توانند از زمین حفاظت کنند. اگر چه این فرضیه هنوز به طور قطع به اثبات نرسیده، اما جنبش‌های متعدد و اخیر زیست‌محیطی نشان داده زنان راهبر در جوامعی که امکان بروز استعدادهای دختران و بانوان وجود دارد، نسبت به زمین و مشکلات آن بسیار حساس‌تر بوده و مسائل زیست‌محیطی، جزئی از سیستم ارزشی آنها شده است. برخی از دیدگاه‌های نوین بر این باور است که زنان و طبیعت، هر دو همواره در طول تاریخ تحت تسلط مردان قرار داشته‌اند و این وجه مشترک تا حد زیادی آنها را به هم نزدیک



کرده است. براساس این نظریات، مردان در طول تاریخ به منابع طبیعی به چشم مایملک تجاری و ابزار درآمدزایی می‌نگریستند. در حالی که زنان، محیط زیست را به عنوان منابع حمایت‌گر نیازهای اساسی خود تلقی کرده‌اند.

بند دوم: توسعه پایدار و سهم زنان

کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این گونه تعریف کرد: «توسعه پایدار فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد» در یک تعریف دیگر «توسعه پایدار به معنای پیشرفت کیفیت زندگی و زندگی در ظرفیت تحمل اکوسیستم‌های پشتیبان است» (یونپ، ۱۹۹۱). در بطن این تعریف مفاهیم «توسعه» و «محیط زیست» با یکدیگر همراه شده‌اند. اصطلاح توسعه پایدار در اوایل دهه ۱۹۷۰ درباره محیط و توسعه به کار رفت. از آن زمان سازمان‌های بین‌المللی که خواهان دستیابی به محیطی مناسب و مساعد برای توسعه سودمند بودند، نام خاص و ویژگی آنها در راهبرد توسعه پایدار نمود یافت. به کار بردن واژه توسعه پایدار بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ در محافل علمی فراگیر شد. حاصل این کنفرانس که به کنفرانس زمین نیز شهرت دارد، بیانیه ریو و دستور کار ۲۱ بود که در آنها زنان به عنوان «گروه اصلی» در توسعه پایدار شناخته شدند و مقررات ویژه‌ای برای بهبود موقعیت ایشان در نظر گرفته شد.

بخش دوم: روند بین‌المللی نقش‌آفرینی زنان در توسعه پایدار و حفظ محیط

زیست

از دهه ۸۰ میلادی دولت‌ها و سیاست‌گزاران ملی و بین‌المللی توجه ویژه‌ای به نقش‌آفرینی زنان در حفاظت از طبیعت و محیط زیست نشان دادند. اهم مستندات این توجه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱۹۸۵ در سومین کنفرانس جهانی زن در نایروبی نقش زنان در حفاظت از محیط زیست در قالب استراتژی‌های رو به آینده به رسمیت شناخته شد.

1990- در کنفرانس جهانی آموزش که در تایلند برگزار شد، دولت ها متعهد شدند تا کیفیت آموزش دختران و زنان را بهبود بخشند و موانع فعالیت های اجتماعی آنان را رفع نمایند.

1991- اولین کنگره جهانی زنان برای یک سیاره سالم توسط WEDO(women in environment and development) در مورد زنان و محیط زیست برگزار شد. در ژنو همچنین، سمپوزیم زنان و کودکان با عنوان آثار فقر و محیط زیست بر زنان و کودکان تشکیل شد.

1992- در کنفرانس سازمان ملل در محیط زیست و توسعه پایدار، بیانیه ریو و دستور کار ۲۱ زنان به عنوان «گروه اصلی» در توسعه پایدار شناخته شدند و مقررات ویژه ای برای بهبود موقعیت آنان در نظر گرفته شد. همچنان که قبلاً اشاره شد فصل ۲۴ دستور کار ۲۱ با عنوان «اقدام جهانی برای زنان در راستای توسعه پایدار و عدالت» به بیان یک سلسله فعالیت ها و تدوین برنامه هایی برای اجرای دستور کار توسط دولت ها پرداخته است. مشارکت فعال زنان در جهت نهادینه کردن فرهنگ و ضرورت ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به توسعه پایدار امری پذیرفته شده از طرف جهانیان است و در کشورهایی که این اصل به اجرا در آمده، با سرعت قابل توجهی به سوی توسعه پایدار در حرکت هستند.

1994- در برنامه عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه در قاهره، استقلال، برابری و تساوی زنان از اصول اساسی برای توسعه پایدار به حساب آمد.

1995- چهارمین کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل در پکن و نشست سازمان های غیردولتی در کنار آن فرصتی را برای تحکیم تصمیمات پیشین فراهم کرد. بیانیه پکن روش هایی را برای ارتقای وضعیت زنان در ۱۲ زمینه اصلی پیشنهاد کرد که محیط زیست یکی از این زمینه ها بود. در بخش K این بیانیه در رابطه با زنان و محیط زیست بیان می شود: زنان نقش اساسی در توسعه پایدار و الگوهای تولید و مصرف پایدار و سازگار با شرایط زیست بومی داشته و رهیافت هایی برای مدیریت منابع طبیعی ارائه می کنند.

-2000 در بیانیه هزاره دوم در نیویورک، ۱۸۹ عضو سازمان ملل خود را برای پایه ریزی جهانی بهتر، سالم تر و منصفانه تر تا سال ۲۰۱۵ متعهد کرده اند. در توسعه هزاره بر اهداف زیر تاکید شده است: ریشه کن کردن کامل فقر و گرسنگی، گسترش برابری جنسیتی و اختیار دادن به زنان و پایداری زیست محیطی.

-2002 بیانیه زمین در اجلاس توسعه پایدار در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، برنامه عمل کشورهای جهان را تدوین کرد. در بیانیه و برنامه عمل ژوهانسبورگ توافق شد تا نیازهای زنان، تجزیه و تحلیل شود و اطلاعات ویژه در ارتباط با جنسیت و مسیر اصلی جنسیت در تمامی تلاش های توسعه پایدار و شناسایی حقوق زنان در ارتباط با سرزمین، مورد بررسی قرار گیرد.

-2003 یازدهمین نشست کمیسیون سازمان ملل درباره توسعه پایدار تصمیم گرفت تا تساوی جنسیتی، رویکردی میان بر برای کلیه اقدامات آتی تا سال ۲۰۱۵ باشد.

-2004 پارلمان اروپا طی نشستی قوانینی را به تصویب رساند که در جهت ارتقا تساوی جنسیتی در همکاری های توسعه به شمار می رود .

-2007 یونسکو کنفرانس بین المللی رهبری زنان برای توسعه پایدار را با شرکت ۵۰ وزیر و نماینده زن پارلمان از ۵ قاره و نمایندگان سازمان های غیردولتی، بخش خصوصی و رسانه ها برگزار کرد. این کنفرانس به بررسی نقش زنان در رهبری فرآیند توسعه پایدار در جهان پرداخت.

-2008 پنجاه و دومین نشست کمیسیون مقام زن در این سال برگزار شد و بر نقش جنسیت در مقابله با تغییرات و آب و هوایی تاکید کرد. قطعنامه این نشست در جهت ارایه کمک های مالی برای توانمندسازی و مکانیزم های مشارکت زنان در کلیه سطوح مباحث زیست محیطی به تصویب رسید.

-2010 کنفرانس زنان و محیط زیست برنامه محیط زیست سازمان ملل در آفریقا برگزار شد و به بررسی نقش زنان حفظ محیط زیست آن قاره پرداخت. در این کنفرانس نحوه اجرای دستور عمل ۲۱، کنفرانس جهانی زن در پکن و برنامه عمل ژوهانسبورگ بررسی شد .

2012- پنجاه و ششمین نشست کمیسیون مقام زن و کنفرانس حاشیه آن به نقش زنان روستایی در توسعه پایدار پرداخته است.

2012- قرار است کنفرانس بین المللی ریو+۲۰ با عنوان توسعه پایدار طی خردادماه ۱۳۹۱ در ریودوژانیرو برگزار شود. بخشی از سند مورد بررسی در این اجلاس مربوط به نقش زنان و چشم انداز حضور آنها برای تحقق توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست است. در فواصل این نشست ها و کنفرانس های بین المللی البته دهها اجلاس دیگر در مقیاس های ملی، منطقه ای و بین المللی برای تحقق اسناد مصوب در زمینه حفظ محیط زیست و به کارگیری نقش زنان در این زمینه برگزار شده است که نتایج آن در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای توسعه یافته قابل مشاهده است.

بخش سوم: روند ملی اقدامات برای نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار

در دهه های اخیر نقش زنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در چارچوب اقدامات ملی نیز پیگیری شده است. این امر را می توان در ارتقاء مشارکت زنان در مباحث تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی به ویژه در عرصه خاص محیط زیست مشاهده کرد و به طور خلاصه به شرح زیر خاطر نشان ساخت:

عضویت زنان در هیئت دولت و کمیسیون های ذیربط در سمت های عالی مرتبط با حفاظت محیط زیست، عضویت زنان در شورای عالی حفاظت محیط زیست، شورای عالی سلامت، شورای عالی برنامه ریزی و توسعه استان و...، حضور زنان در شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور، تدوین برنامه توسعه مشارکت های اجتماعی و فرهنگی زنان، راه اندازی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در دانشگاه ها، تهیه بانک اطلاعات زنان پژوهشگر، برگزاری کنگره ها (مانند زن، ورزش و محیط زیست)، جشنواره ها و همایش ها (مانند همایش نقش مشارکت زنان در مدیریت مصرف آب و برق، نشست توانایی های زن ایرانی، جشنواره زن و پژوهش)، لحاظ نگرش جنسیتی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور و تاکید بر محورهای زیست محیطی، تعادل منطقه ای، آمایش سرزمین، رشد مستمر و پایدار اقتصادی و...، ارتقاء سطح دانش و آگاهی های عمومی و تخصصی زنان، انجام طرح های تحقیقاتی متعدد و متنوع در





مورد مشارکت زنان و دختران در بخش‌های دولتی و غیردولتی، آموزش‌های کوتاه مدت و بلند مدت جهت توانمندسازی بانوان در خارج و داخل کشور، حضور در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی منطقه‌ای در موضوعات انرژی، محیط زیست، آب‌خیزداری، راه‌اندازی سایت‌های ویژه بانوان از منظر انرژی و محیط زیست و تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی که موسسین آن زنان بوده و یا برای زنان خدمات ویژه‌ای ارائه داده‌اند. قابل ذکر است که در سال ۲۰۰۶ یک زن ایرانی به عنوان قهرمان زمین ملل متحد معرفی شد. معصومه ابتکار به خاطر تلاش‌های ملی و بین‌المللی‌اش برای حفظ محیط زیست طی ۸ سال دوره مسئولیتش در سازمان حفاظت محیط زیست این عنوان را دریافت کرد. گزارش یونسکو نیز در مورد پیشرفت‌های ایران در زمینه آموزش برای توسعه پایدار که توسط کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۸۹ منتشر شد، بیانگر این است که در بخش اجرای برنامه‌ها، فعالیت‌های نهادها در زمینه آموزش برای توسعه پایدار در سطح ملی قابل توجه بوده است. از جمله توسعه کمی آموزشی، ارتقای دسترسی به آموزش، حذف تفاوت‌های جنسیتی در آموزش، متنوع‌سازی روش‌ها، ساختارها و محتوای آموزشی، توسعه مهارت‌های شغلی در آموزش و ارتقای ترویج فرهنگ زیست‌محیطی. داده‌ها نشان می‌دهد که مفهوم توسعه پایدار از محیط زیست طبیعی به سایر زیست‌بوم‌ها از جمله زیست‌بوم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترش پیدا کرده است. اما محور کیفیت در آموزش به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته و تناسب آموزش با بافت اجتماعی، همچنین آموزش‌های اجتماعی کلیه اقشار که باید توسط رسانه‌ها انجام شود، عملی نشده است. متأسفانه براساس این گزارش شاخص‌های پایداری در کشور طراحی نشده‌اند تا از طریق آنها بتوان میزان پیشرفت را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. در حالی که با تعیین شاخص‌های پایداری می‌توان روش‌های ناموفق را اصلاح کرد.

بخش چهارم: مشارکت زنان در مدیریت شهری

زنان به مثابه نیمی از کشران اجتماعی، همواره در وجوه و ابعاد گوناگون به عنوان یکی از محورهای مناقشه متخصصان علوم اجتماعی مطرح بوده‌اند. نقش تربیتی و اثرگذار زنان در خانواده می‌تواند مبنای بسیاری از اصلاحات در مدیریت شهری قرار گیرد. نسلی که در دامن

مادران تحصیل کرده و متعهد نسبت به سلامت جامعه و محیط زیست همشهریان بزرگ می شود، نسلی مسئول خواهد بود. علاقه به مشارکت در امور عمومی و عام المنفعه نیز بسیار متأثر از تربیت خانوادگی بوده؛ چنانچه سایر خصوصیات اکتسابی این چنین است اما میزان تاثیرگذاری زنان در مقام مادری به توانمندسازی و آموزش های رسمی و غیررسمی بستگی دارد. چرا که فرهنگ سنتی ما وظایف زن را بیشتر در قالب خانواده دانسته و امروز برای گذر از این محدوده باید به ابزار آگاهی و توانمندی مجهز شد. همچنین مقوله نگاه محله ای و شهری، مقوله ای فراخانواده بوده و مرزهای نوینی را در مقابله زنان ما گسترده است. بنابراین اگر خواهان سهم مناسب زنان برای حفظ سلامت و محیط زیست هستیم باید توانمندسازی و آموزش از سوی مسئولین امر جدی تلقی شده و فراتر از شعار به ایجاد سازوکارها و نهادهای ساختن آن اقدام شود.

بند اول: توانمندسازی زنان

بانک جهانی توانمندسازی را به عنوان یکی از عناصر اصلی در کاهش فقر و به عنوان اولین هدف در امر توسعه شناسایی کرده است و محوریت بخشیدن به جنسیت را به عنوان یک اولویت در کمک به توسعه و در فرآیند اجرای یک استراتژی برای رسیدن به چنین تاثیری می-داند. (Malhotra, 2002:2) «توانمندسازی پروسه و فرآیندی ممتد تعریف شده است که شرایط ساختاری (سیاسی، عرفی و حقوقی) و عاملیتی (ظرفیت ها، قدرت تصمیم-گیری) و دسترسی (به منابع مادی و غیر مادی موجود در جامعه) را برای قدرت یابی زنان در خانه و جامعه در مواردی که برای آنها محدودیت وجود دارد، فراهم می-کند. کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در قرن ۲۱ (UNCED)، پیشرفت و قدرتمندی زنان شامل «قدرت تصمیم-گیری» و «مشارکت» را عامل کلیدی توسعه پایدار تلقی می-کند» (Baden, ۱۹۹۷:۶ & Oxaal). در ایران اما متأسفانه چه در عرصه سیاست-گذاری و برنامه-ریزی و چه در عرصه پژوهش های علمی، رویکرد توانمندسازی مغفول واقع شده و توجه چندانی بدان نمی-شود. اندک توجهاتی هم که به این رویکرد صورت می-گیرد، عموماً دارای ضعف مفهومی در درک مفهوم توانمندسازی بوده که خود مشکلاتی را ایجاد نموده است، چنانچه جوهره اصلی مفهوم توانمندسازی (Empowerment)، بحث قدرت (Power) است، اما در ایران در درک مفهوم توانمندسازی، تأکید بر رویکرد توانایی (Ability) و مهارت-یابی



زنان است. هرچند این امر برای قدرت-یابی زنان یک پیش شرط اساسی و لازم است و در ساختن مفهوم توانمندسازی نقشی گسترده دارد، اما مساله اصلی در این مفهوم رسیدن زنان به توانایی نیست، بلکه رسیدن آن‌ها به قدرت و داشتن نقش موثر در فرآیندهای گوناگون اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است. البته نظریه توانمندسازی سارا لانگه (۱۹۹۹)، بر رفع هرگونه ابهام و سوء تعبیر، به وضوح تاکید دارد. بر اساس این نظریه منظور از توانمندسازی، تغییر مرد سالاری به زن سالاری نیست، بلکه بیش‌تر برابری جنسیتی در فرآیند توسعه مد نظر است. این دیدگاه با تحلیل روابط و ساختار قدرت در درون خانواده و جامعه، به اهمیت افزایش قدرت زنان می‌پردازد. در عین حال قدرت را نه برای برتری فردی بر فرد دیگر (زن بر مرد) بلکه بیش‌تر با هدف ارتقای خود باوری و خوداتکایی زنان مورد بحث قرار می‌دهد. درواقع توانمندسازی مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که طی آن افرادی که توانایی دست زدن به انتخاب از آنها دریغ شده است، بار دیگر این توانایی را به دست می‌آورند. به عبارت دیگر، توانمندسازی مستلزم فرآیندی است که طی آن تغییر ایجاد می‌شود.

بخش پنجم: اهم محورهای توانمندسازی زنان

• ظرفیت سازی زنان

از اهم ابعاد توانمندسازی، ظرفیت سازی زنان است. «ظرفیت» عبارت است از احساسات، آگاهی، ارزش‌ها، سرمایه، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد. این ظرفیت سازیزمینه‌های لازم را برای آنان فراهم می‌کند تا در فرآیند قدرت-یابی وارد شوند و بدانند که ظرفیت سازی شرط لازم در فرآیند توانمندسازی محسوب می‌شود.

• قدرت تصمیم‌گیری

دیگر بعد مهم توانمندسازی، «قدرت تصمیم‌گیری» است. با وجود چنین توانایی، زنان کنشگرانی به حساب می‌آیند که در جریان امور مهم زندگی خویش، فاعلیت و آمریت داشته و مسئولیت فعالیت‌ها را نیز بر عهده می‌گیرند. در واقع توانمندسازی فرآیند قدرتمند شدن زنان است و افزایش توان تصمیم‌گیری ذات توانمندسازی به شمار می‌آید. این بعد البته دارای سه شاخص است؛ شامل: ۱- نقش موثر در تصمیم‌گیری ۲- آزادی عمل ۳- کنترل بر منابع اقتصادی.

• سرمایه اجتماعی

بعد دیگر توانمندسازی «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی همان ویژگی‌های سازمان اجتماعی همچون هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد است که هماهنگی و همکاری را برای رسیدن به سود متقابل و مشترک آسان می‌سازد (پوتنام، ۱۹۹۲: ۱۶۷). سرمایه اجتماعی را همچنین «مجموعه‌ای از موجودی فضیلت‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی هم‌ساز با تحولات توسعه‌ای» تعریف کرده‌اند (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۰) شاخص سرمایه اجتماعی در قالب ۴ بعد مشارکت اجتماعی (شامل دو نوع مشارکت ذهنی و عینی)، اعتماد اجتماعی (شامل: اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته، نهادی و صنفی)، ارزش‌های اخلاقی (اعتماد سازنده) و انسجام مورد بررسی قرار می‌گیرد: مشارکت اجتماعی (ذهنی و عینی) - مشارکت فرآیندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می‌گیرد. مشارکت اجتماعی دو بعد را در بر دارد: بعد ذهنی و بعد عینی. بعد ذهنی حاکی از آمادگی ذهنی و روانی فرد برای مشارکت اجتماعی است و بعد عینی اشاره دارد به رفتارهای مشارکتی افراد در زندگی روزانه‌شان. اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم-یافته، نهادی، صنفی) - در بحث اعتماد با واقعیاتی اجتماعی رو به رو هستیم که افراد انتظار دارند دیگران به سخنانی که می‌گویند و یا متعهد می‌شوند پای بند باشند. هر قدر این میزان اطمینان ما به دیگران بیشتر باشد، سطح اعتماد بالاتر می‌رود. ارزش‌های اخلاقی - این مولفه دلالت بر اعتقاداتی دارد که سبب می‌شود افراد با مسائل و مشکلات راحت‌تر و بهتر برخورد کنند و بسیار کم‌تر دچار احساس تزلزل و یاس شوند و در نهایت، افراد آرامش بیش‌تری در زندگی داشته باشند.

بخش ششم: سهم زنان در مدیریت زیست محیطی

امروز تجربه‌ها، خواست‌ها، علایق، ذائقه‌ها، احساسات و زبان زنانه به صورت گسترده‌ای در حال توسعه است. این مسئله، تنها محدود به مناسبات درون خانواده نیست و مناسبات بیرون خانواده را نیز در بر می‌گیرد» در همین جا باید تاکید کرد مصرف در خانواده امروزی از عواملی است که زن را در جایگاه تعیین‌کننده تری قرار می‌دهد، چرا که خانواده‌های کنونی





بر اساس تولید بنا نشده و فعالیت عمده خانواده بر مصرف استوار است. در چنین شرایطی، زنان تصمیم گیرنده و تعیین کننده مصرف به حساب می آیند. این مسئله به گونه ای است که حتی لباس مردان نیز طبق سلیقه زنان خریداری می شود و مسائل خانواده، از آرایش موی مرد و فرزندان تا امور دیگر، تحت مدیریت زنان است و مهمانی ها، آشپزی ها و رفت و آمدها نیز بر اساس نظر زنان اتفاق می افتند. در این شرایط، وجه مهم زنانگی که تفوق احساسات و عواطف بر ارزش های عینی، کاربردی و مادی است بر خانواده غلبه دارد. سطح دیگر این دگرگونی، به شبکه مناسبات اجتماعی بر می گردد، برای مثال، دوستان و خویشاوندان زن نسبت به دوستان و خویشاوندان مرد راحت تر رفت و آمد می کنند، از امکانات بیشتری در مناسبات خانوادگی برخوردارند و پدر و مادر زن در تربیت بچه ها و حمایت ها و مهمانی ها حضور پررنگ تری دارند. این توسعه زنانگی با اشکال گوناگون آن، بر گفتمان های خانواده ایرانی، چه گفتمان های مدرن و چه گفتمان های مذهبی تاثیر گذاشته است» این در حالی است که خانواده همواره بهترین ابزار آموزش و ارزش های فرهنگی بوده و وظیفه انتقال آنها را به نسل های بعدی به عهده داشته است. پر واضح است که این آموزش ها و ارزش های فرهنگی اینک می بایست شامل اهمیت حفظ محیط زیست و راهکارها برای اعمال آن باشد و زنان به عنوان مادران و همسران نقش به سزایی در ارایه و انتقال آن دارند. از سوی دیگر نقش زنان در مشارکت عمومی برای مدیریت محیط زیست شهری بنا بر آنچه که در پژوهش حاضر ارایه شد کلیدی به شمار می آید. به علاوه اصل ۵۰ قانون اساسی ایران تصریح می کند که «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی را داشته باشند. وظیفه عمومی تلقی می گردد، از این رو فعالیت های اقتصادی و غیراقتصادی که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». یعنی حفاظت از محیط زیست اقدامی عمومی است که با هر نوع طرز تفکری نسبت به محدوده حضور اجتماعی زنان، شامل آنان نیز می شود. این امر البته نیازمند آگاهی و دغدغه شهروندان نسبت به مسائل زیست محیطی است که خوشبختانه به نظر می رسد با توجه به روند تحولات اجتماعی تا حدی ایجاد شده است. چنانچه در تحقیقی که درباره مسائل اجتماعی محله های شهر تهران در سال ۱۳۸۹ انجام شد، شهروندان تهرانی مهم

ترین مشکلات شهر تهران را مسایل زیست محیطی و بهداشتی می دانند. نمونه های مشارکت زنان در مدیریت محیط زیست محلی، شهری، ملی و بین المللی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته فراوان بوده و ذکر و بررسی همه آنها نیازمند مطالعه و پژوهشی مستقل است. از جمله اینکه شهرهای مهم دنیا امروزه به حضور زنان در راس مدیریت شهرداری ها توجه دارد. «دورا باکویانی» شهردار سابق آتن در سال ۲۰۰۵ به عنوان برترین شهردار جهان به دلیل مدیریت خویش در المپیک ۲۰۰۴ آتن انتخاب شد. او بلا فاصله بعد از این موفقیت به مقام وزارت امور خارجه یونان رسید. در مدت مدیریت باکویانی در شهرداری آتن، زیرساخت ها تجهیز و عملکرد ها دچار تحول شدند؛ شهر رنگ و لعاب تازه گرفت، تمیزی و سرسبزی به شهر آورده شد، فضاهای تفریحی و پارک های بسیاری ساخته شد. در نتیجه دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب از مهم ترین رویدادها در این شهر شناخته شد. راه ها و فضاهای عمومی در ۴۵۰ خیابان اصلی و به مساحت ۷۵۰ هزار مترمربع نوسازی و پیاده راه ها به مساحت ۲۵۰ هزار مترمربع دوباره سنگفرش شدند و ۳۵۰ هزار از انواع گل و گیاه و ۱۱ هزار اصله درخت در پارک ها، میادین و مسیرهای عبور پیاده کاشته شدند. شهرداری آتن در آن دوران روی بالا بردن سطح خدمات در محلات تمرکز داشت و توسعه شبکه پارک ها و بازسازی مناطق و از همه مهم تر بهبود کیفیت زندگی از دیگر اولویت های شهری بود. همچنین در برنامه ای دیگر شهروندان تشویق شدند روی بام خانه های خود گل و گیاه بکارند و یا گیاهان یا میوه های مخصوصی را در بالکن خانه هایشان پرورش دهند. در ژوئن ۲۰۰۴ نیز برنامه ۴ ماهه آزمایشی مربوط به بازیافت اجرا شد که فاز اول آن درباره بازیافت قوطی ها و کاغذها بود. هلن زیله، شهردار شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی خبرنگاری است که با ورود به عالم سیاست شهردار یکی از شهرهای مهم این کشور آفریقایی شد.



منابع و مأخذ

- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. (ب. ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان
- افضل زاده، سوسن. (۱۳۷۶). آلودگی هوا و کنترل آن. مجله برگ سبز.
- سعادت، اسفندیار. (۱۳۷۸). مدیریت منابع انسانی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه تهران.
- کریمی، داریوش. & لیاقتی، هومان. (۱۳۷۸). آموزش محیط زیست و رفتار شهروندی. طرح توسعه و ترویج فرهنگ زیست محیطی منطقه ۹ شهرداری تهران.
- امینی، فرهاد. (۱۳۷۸). بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
- لقایی، حسنعلی. & محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۷۸). زمستان. مقدمه‌ای بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۶.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۸). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران. انتشارات غزال.
- معصومی اشکوری، سید حسن. (۱۳۷۹). شهر فعال و مدیریت توسعه پایدار شهری. (نسخه اول). مجموعه مقالات اولین سمینار مدیریت توسعه پایدار در مناطق شهری. تبریز: شهرداری تبریز.
- بحرینی، سید حسین. & امینی، فرهاد. (۱۳۷۹). نقش سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست در ایران. محیط‌شناسی. شماره ۲۶.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد. چاپ دهم. تهران: انتشارات سمت

ضرابی، اصغر. اذانی، مهری. (۱۳۸۰). توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه. تهران: مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹.

بری، جان. (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه اجتماعی. (نسخه اول). (ح. پویان & ن. توکلی، مترجم). انتشارات زیبا.

آنتونی، گیدنز. (۱۳۸۱). جامعه شناسی (نسخه ۷). (م. صبوری، مترجم) انتشارات مهدی. دیهیم، حمید و معصومه وهابی. (۱۳۸۲). دسترسی زنان به اعتبارات نظام بانکی. پژوهش زنان. دوره ۱. سال ۳. شماره ۷. صص ۸۷-۶۱.

برآبادی، محمود. (۱۳۸۳، خرداد). توسعه پایدار شهری. (سال ششم). ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۱.

بلمکی، بهنام. (۱۳۸۳). بررسی نقش سازمان های غیردولتی محیط زیست در اجرا و تدوین مبانی توسعه پایدار در برنامه سوم توسعه کشور. مجموعه مقالات همایش سیاست ها و مدیریت و برنامه ریزی توسعه. جلد پنجم.

سازمان حفاظت محیط زیست. (۱۳۸۴). دومین گزارش وضعیت محیط زیست ایران، انتشارات. سازمان حفاظت محیط زیست.

فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان شناسی شهری. انتشارات نی

هنشال، ژانت (۱۳۸۵). نقش های جنسیتی و دغدغه های زیست محیطی. (س. غفاری، مترجم). روزنامه سرمایه. شماره ۳۶۵. ۱۷/۱۰/۸۵.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه (تاریخ دو قرن فمینیسم). انتشارات شیرازه

فرهمنده، مریم. (۱۳۸۵، پاییز). تعامل دولت با سازمان های غیردولتی زنان. (سال نهم، تدوین) سایت باشگاه اندیشه به نقل از کتاب زنان.

رحیمی، نسترن. (۱۳۸۵). انرژی، زن و محیط زیست. مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.





لاهیجانیان، اکرم الملوک. ارجمندی، رضا. محرم نژاد، ناصر. & جمشیدی دلجو، مجتبی. (۱۳۸۷). بررسی ساختار و

دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران. (۱۳۸۹). پژوهش بررسی موانع و مشکلات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران برای جلب مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری. (معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران، مجری). (غ. غفاری، مسئول علمی طرح). گروه پژوهشی جامعه‌شناسی.

مسجدجامعی، احمد. (۱۳۹۰). شورایاری‌ها، رویکردی نو به مدیریت محلی. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

لاهیجانیان، اکرم الملوک. (۱۳۹۰). آموزش محیط زیست. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

شادمان فر، رضا & وکیل پور، مهدی. (۱۳۹۰). شورایاری، سازوکاری برای مشارکت شهروندان با مدیریت شهری. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

راهب، غنچه. (۱۳۹۰). شورایاری‌ها، رویکردی نو به مدیریت محلی. مقاله نقش شورایاران زن در برطرف نمودن موانع پیش رو در مشارکت اجتماعی زنان. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۹۱). ساماندهی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر با رویکرد محله‌محوری.

برنامه راهبردی بهبود وضعیت زنان شهر تهران، پیشنهادی کمیته محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران به اداره کل امور بانوان شهرداری تهران